

اینترنت و آموزش عالی^۱

نوشته مایکل اچ. هریس، پاملا سی. هریس،

استن ای. حنا^۲

ترجمه علی اصغر شیری^۳

چکیده: اینترنت و آموزش عالی عنوان نشریه‌ایست که اولین شماره آن در آغاز سال ۱۹۹۸ منتشر شده است. مقاله حاضر نیز یادداشت سردبیری این نشریه است که استاد عزیز و ارجمندم جناب آقای آذرنگ به دلیل اهمیت و نگرش انتقادی آن جهت ترجمه برای سردبیر محترم فصلنامه کتاب جناب آقای دکتر حری فرستاده‌اند. ایشان نیز به واسطه لطف و علاقه‌شناسی نکته‌بینانه، ترجمه این یادداشت سردبیری را به اینجانب واگذار کردند. با توجه به رشد و توسعه چشمگیر و حیرت‌انگیز شبکه جهانی اینترنت و ابزارها و خدمات آن، و نیز انبوه مقاله‌ها، گزارش‌ها، نشریات و کتاب‌های مختلف نگاشته شده در این زمینه، مقاله حاضر با نگاهی فراتر تلاش کرده است تا تحولات اثرگذار اینترنت بر آموزش، اقتصاد، کار و صنعت را در قالبی موجز به تصویر کشد. امید است مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد.

کسانی که به عنوان هیأت تحریریه مجله «اینترنت و آموزش عالی» فعالیت می‌کنند اعتقاد دارند که فن‌آوری اطلاعات و اینترنت تحولی اساسی در آموزش عالی آمریکا پدید آورده است.

1. The Internet and higher education.

2. Michael H. Harris, Pamela G. Harris, Stan A. Hannah

۳. کارشناس ارشد مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی

بر این باوریم که این انقلاب در برخی نهادها با سرعتی چشمگیر و در برخی دیگر با حرکتی بسیار آهسته شکل می‌گیرد. همچنان که این تحول، آموزش عالی را فرا می‌گیرد، از تبعات گسترده سیاسی، آموزشی و اقتصادی نیز برخوردار است.

همچنین اعتقاد داریم که زمان حاضر فرصت خوبی برای بنا نهادن مجله‌ای است که به بررسی دقیق و نقادانه این انقلاب در دانشگاه بپردازد. قریب یک میلیون پژوهشگر و مدیر در آموزش عالی امریکا مشغول فعالیت هستند که بسیاری از آنان همچنان که برای توسعه راهبردی و تاکتیکی گروه‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های خود برای هزاره بعد برنامه‌ریزی می‌کنند، در جستجوی راهنمایی برای بهره‌گیری خلاق از فن‌آوری‌های نوظهور اطلاعاتی نیز هستند. بسیاری دیگر به دلیل غلبه فرایند آموزش از طریق اینترنت، نگران بحران‌ها و مشکلات سیاسی و اخلاقی پیش روی جامعه دانشگاهی هستند. از آنجایی که تجربه «چارچوب اجتماعی» جدید در آموزش عالی امریکا انکارناپذیر می‌نماید، یافتن بهترین روش برای مقابله نقادانه و مشارکت هوشمندانه در فرایند تحول - که حرفه ما را تهدید می‌کند - کاری سهل نیست. آنچه که درباره‌اش مطمئن هستیم این است که آنچه تاکنون شاهد بوده‌ایم فقط بخش کوچکی از تحولی است که در آینده پیش‌رو داریم.

تقریباً همه ما از وجوه متناقض و مشکلات «دانشگاه مجازی» مطلع هستیم. همان‌طور که وعده فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و اینترنت را در ارائه «محصولات» آموزشی به فال نیک می‌گیریم، بسیاری از ما نگران مشکلات واقعی کاربرد غیرخلاق فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی در آموزش عالی امریکا هستیم.

در مجله «اینترنت و آموزش عالی» قصد آن داریم تا به مباحث نظری و عملی بپردازیم، و از جبرگرایی فن‌آورانه «ابزار مدار»، که در بسیاری از منابع منتشر شده درباره اینترنت در آموزش عالی امریکا رایج است، پرهیز کنیم.

سرمایه‌داری، سرمایه‌داری و سرمایه‌داری

در حالی که بسیاری از ما مفهوم آموزش به عنوان یک کالا را ناخوشایند می‌پنداریم، این امر مسلم شده که ظهور فن‌آوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و اینترنت، محیطی را به وجود آورده که در آن، آموزش عالی نمی‌تواند نیروها و کشش‌های بازار را نادیده انگارد. رشد چشمگیر «آموزش از راه دور» در برنامه‌های نهادهای آموزش عالی مانند دانشگاه فونیکس، والدن، اتاوا، و دانشگاه

جنوب شرقی نوا، به روشنی میزان محور قرارگرفتن آموزش انتفاعی را مشخص می‌سازد. کارایی مؤثر این برنامه‌ها مفسران طراز اولی چون پیتر دراگر را به این نتیجه‌گیری رهنمون ساخته است که «دانشگاه‌ها باقی نخواهند ماند». او می‌گوید آینده در خارج از کلاس درس است و آموزش از راه دور به سرعت گسترش می‌یابد.

در حالی که بسیاری از ما در محیط دانشگاه از وقایع ناگوار اقتصاد بازار مصون هستیم، توجه به میزان تحولات و پذیرش توان خستگی‌ناپذیر سرمایه‌داری به عنوان محرک درونی و حیاتی این تحولات امری معقول به نظر می‌رسد. جوزف شومپیتر (۱۹۵۰) معتقد بود که این توان، پیوسته ساختار اقتصادی را از درون منقلب کرده، و ساختار قبلی را تخریب می‌کند و نیز بی‌وقفه ساختاری جدید را به وجود می‌آورد. شومپیتر معتقد است: این فرایند تخریب خلاق، اساسی‌ترین عنصر سرمایه‌داری است. او سپس این نتیجه را می‌گیرد که انگیزه بنیادی ایجاد و حفظ تحرک موتور سرمایه‌داری، برخاسته از کالاهای جدید برای استفاده‌کنندگان، روش‌های نوین تولید یا حمل‌ونقل و بازارهای جدیدی است که نظام سرمایه‌داری موجد آن است.

بیل گیتس (۱۹۹۵) رئیس شرکت مایکروسافت هنگامی که به مفهوم «شاهراه» به عنوان استفاده‌ای ناقص برای اینترنت اشاره می‌کند، بر وقایعی که شومپیتر مطرح کرده، صحنه می‌گذارد. هنگامی که گیتس می‌گوید انواع اطلاعات دیجیتال، البته نه همچون پول، به وسیله نوین تیادلات مبدل خواهد شد، معتقد است که اینترنت را باید «بازار اصلی» دانست. با آن که هیچ دلیلی برای پذیرش منفعل تحلیل شومپیتر و قبول غیرانتقادی و منفعل نظر گیتس درباره بازار نوظهور اطلاعات وجود ندارد، بر این عقیده هستیم که مجله اینترنت و آموزش عالی کار خود را با این اندیشه آغاز می‌کند که تحولات فراوانی رخ داده، و کشش‌های این بازار پرطمطراق و نامتعارف در بازار فعالیت‌های دانشگاهی نیز ایفای نقش می‌کند.

کشش‌های این بازار جدید اهداف آموزش عالی و رسالت دانشگاه را با آشفتگی‌های حقیقی روبه‌رو می‌کند. امیدواریم که به انتشار مقاله‌هایی پردازیم که با مسائل و مشکلاتی چون چالش‌های برخاسته از برخورد انتفاعی نسبت به آموزش که شناخت سنتی ما از نقش دانشگاه را تحت الشعاع قرار داده، نقادانه برخورد کنیم. البته یکی از مسائل کاملاً مرتبط با این بحث، مسئله مالکیت انحصاری «آموزش» در اشکال نرم‌افزارهای دارای حق مؤلف، محتوای دروس و دوره‌ها، و انتشارات است. همچنین سیاست‌های ملی ارتباطات و تلاش‌های دولت‌ها در ساخت و هدایت اینترنت نیز از مسائل مرتبط به شمار می‌آیند.

بهره‌وری، کمیت و کیفیت

با آن که، یافتن وحدت‌نظر در مورد میزان تأثیر فن‌آوری اطلاعات در بهره‌وری دانشگاهی کاری مشکل می‌نماید، روشن است که سرمایه‌گذاری‌های کلان در زمینه فن‌آوری اطلاعات در شرکت‌های آمریکایی متضمن سودهای کلان نیز بوده است. در ابتدا، این چنین تلقی می‌شد که این سرمایه‌گذاری‌های کلان، به دلیل آن که دستاورد عینی در بهره‌وری به دنبال ندارد، به اتلاف بودجه می‌انجامد. اما در سال ۱۹۹۳، این شکاف بهره‌وری کمتر شده، سپس ناپدید شد. آنچه که هم اکنون بدیهی به نظر می‌رسد آن است که کالاهای اطلاعاتی بسیاری با نیروی کاری اندک تولید می‌شود، و همچنین پیشرفت آشکار اندکی در کسب موفقیت‌های آموزشی نیروی کار به چشم می‌خورد. قصد آن داریم که مطالعات تجربی دقیقی را منتشر کنیم که به مستند ساختن میزان سرمایه‌گذاری‌های مهم در زمینه فن‌آوری و بهره‌گیری گسترده از برنامه‌های درسی از طریق افزایش بهره‌وری اینترنت در دانشگاه بپردازد.

چنین اقداماتی برای ارزیابی دقیق «ارزش» فن‌آوری اطلاعات در فرایند آموزش، مستلزم توجه دقیق به ارزیابی عینی ماهیت فعالیت آموزشی نیز هست. درک پاک مکرراً به میزان بی‌توجهی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آمریکا نسبت به برآیند آموزش در این مؤسسه‌ها اشاره کرده است. او اشاره می‌کند که این دانشگاهیان ساعات طولانی را صرف بحث درباره محتوای آموزشی دانشجو می‌کنند و کمتر به یادگیری مؤثر دانشجو و آموزش بیشتر آنها می‌اندیشند. پاک از ما در مورد این مسائل و مشکلات جدی به شدت انتقاد می‌کند و معتقد است: «اگر چه زمان زیادی را طلب می‌کند، اما هر مؤسسه آموزشی باید منتهای تلاش خود را برای مطالعه فرایند یادگیری و ارزیابی اثرات برنامه‌ها بکند. بدون چنین خودآزمایی انتقادی، هیچ فردی نمی‌تواند پیشرفتی پایدار و مداوم داشته باشد».

بر این باوریم که آمیختن پویای رقابت و فن‌آوری اطلاعات می‌تواند آموزش عالی آمریکا را برای مقابله با بحران هویت خود توانا کند. چنین توانایی‌هایی است که به درک روشن‌تری از رسالت و تعهد و مسئولیت‌های برجسته می‌انجامد. به منظور انجام چنین رسالتی، امید داریم که به انتشار مقاله‌هایی پردازیم که به تمامی مسائل فوق اشاره کند، به‌ویژه مسائلی که با مقیاس‌های تجربی مربوط باشند، که از طریق آنها فن‌آوری‌های اطلاعاتی مانند اینترنت و البته نشر الکترونیک و فرامتن به کمک دستاوردهای سنجش‌پذیر در فرایند آموزش می‌شتابند.

همچنین پیش‌بینی انتشار مقاله‌هایی در مورد بررسی اقتصاد سیاسی اینترنت را در دستور کار

خود قرار داده‌ایم. برای نمونه، ما امید داریم به تحلیل چالش‌های موجود در مورد اقدامات سیاستمداران و مدیران برای به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات و بهره‌گیری از اینترنِت، به منظور اعتلای بهره‌وری و صرفه‌جویی مالی، پردازیم. دانشگاهیان به وضوح نسبت به این واقعیت حساس شده‌اند که صرفه‌جویی‌های پیش‌بینی شده باید برخاسته از کمبود مشاغل دانشگاهی، به‌ویژه مشاغل تمام وقت، باشد که ما از آن به‌عنوان فعالیت‌های «کاربر» یاد می‌کنیم. استادان و سایرین نیز مشتاقند بدانند تا چه حد این گزوش به افزایش بهره‌وری به بهای «کیفیت» برنامه‌های آموزشی آنها تمام خواهد شد. دست کم آن که انقلاب اطلاعاتی، الگوهای سنتی فعالیت‌های کاربر در آموزش عالی امریکا را دگرگون خواهد ساخت و این تحول همه‌گیر، توجه بیشتر ما را طلب می‌کند.

طبقه، جنسیت و نژاد

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که عصر اطلاعات، نویدبخش پایان ساختارهای سازمانی سلسله‌مراتبی انعطاف‌ناپذیر که ویژگی زندگی کنونی است و طبعاً به افول تبعیض باوری و محرومیت‌زایی نهادینه شده که در افتراق جنسیتی و نژادی بازار کار امریکای قرن ۲۰ وجود داشت منجر می‌شود. حتی روشن‌تر از آنچه که این صاحب‌نظران اشاره می‌کنند، عصر فراصنعتی نشانگر تحول ماهیت کار و نیز محل کار است.

جدیدیت پرول اشاره می‌کند که «بسیاری بر این عقیده‌اند که رایانه موجب اعتلای کیفیت و شرایط کار فکری می‌شود، بشر را از فعالیت‌های پرزحمت فکری روزمره خلاص می‌کند و به او فرصت «تفکر خلاق» می‌دهد. آنها از رایانه هراسی ندارند چون بر این نکته صحه می‌گذارند که اندیشه عصر اطلاعاتی بر «مساوات‌طلبی روزافزون» در محیط کار عصر فراصنعتی متکی بوده و بر این نکته پا می‌فشارند که «کاربردهای مهندسی دانش نباید منجر به کاهش دستمزد، استقلال و یا مهارت‌های کارکنان حرفه‌ای، مدیریتی و گروه‌های فنی سطح بالا شود».

در حالی که بسیاری از پیروان مکتب محیط کار فراصنعتی به این باور رسیده‌اند که عصر اطلاعات، ساختارهای سازمانی نوینی را برای تحلیل آینده می‌طلبد، اما برخی دیگر با چنین نتیجه‌گیری خوش بینانه‌ای که این عصر، پایان دوره صنعتی امریکا است و ظهور اقتصاد اطلاعات طلوعه‌ای است در ایجاد محیط کار ایمن‌تر، برانگیزنده و شایسته‌سالارتر موافق نیستند. بسیاری

هنوز هراس دارند که روابط کاری استثمارگر و تبعیض مدار به قوت خود باقی خواهد ماند مگر آن که اقدامات سنجیده و جدی برای ریشه‌کنی چنین روابطی صورت گیرد. شگفت‌آور نیست که بدانیم زنان و نیز نژادهای مختلف در قیاس با مردان سفید تحصیل کرده نسبت به محیط کار عصر فراصنعتی چندان خوش‌بین نیستند.

همچنین شواهد قابل توجهی وجود دارد که زنان در محیط کاری، که فن‌آوری اطلاعات اصلی‌ترین فن‌آوری به شمار می‌آید، نسبت به مردان از کارایی کمتری برخوردارند. بسیاری از پیروان دیدگاه‌های تبعیض مدار آشکارا بر این باورند که فن‌آوری فی‌نفسه دارای جنسیت است.

چاپ در عصر نگارش رقمی

تقریباً هرکس به ارتباطات رقمی، پست الکترونیکی یا فرامتن اعتقاد دارد با نیاز به ادامه ارتباطات سنتی به شکل چاپ بر روی کاغذ نیز روبه‌رو است. دلایل این نظر نیز بسیار است، اولین و مهم‌ترین توجیه ما در نشر مجله «اینترنت و آموزش عالی» به شکل چاپی، این عقیده ناشر است که اگرچه باید در مورد گذار از مرحله چاپی به شکل الکترونیکی و رقمی شده اندیشید، اما او خود را متعهد می‌داند که نخست و به دلایل خاص خود به انتشار این نشریه به شکل سنتی (چاپی) اقدام کند. همه ما که در عصر انقلاب اطلاعات به سر می‌بریم بر این حقیقت واقفیم که وضعیت بازار انتشارات صرفاً و کاملاً رقمی شده به خوبی ترسیم نشده است و تعجبی نیست که ناشر این نشریه نیز حداقل در آغاز کار انتشار این نشریه، عرصه‌ای قابل پیش‌بینی‌تر و میان‌روتر را ترجیح دهد.

دلیل دوم البته ممکن است روشن‌تر به نظر نرسد. در حال حاضر، ما با این مسئله روبه‌رو هستیم که کمیته‌های مسئول پیشرفت‌های علمی در نهادهای آموزش عالی بر این عقیده‌اند که نشر الکترونیکی در قیاس با نشر چاپی از ضوابط قانونی و حفظ حقوق کمتری برخوردار است. از این رو قصد نداریم که در آغاز کار از دیدگاه چنین پژوهشگرانی، به دلیل انتشار الکترونیکی این نشریه، بی‌بهره باشیم. تا زمانی که جامعه دانشگاهی، به روشی معقول و صحیح برای ارزیابی انتشارات الکترونیکی نرسیده باشد، بسیاری از نویسندگان دانشگاهی میل خواهند داشت که برای انعکاس آثار خود از مجراهای اشاعه سنتی بهره‌جویند. براین باور نیز هستیم که این مسائل و مشکلات در زمان خود مرتفع خواهد گردید و امیدواریم هنگامی که این مشکلات رفع شد، دانشگاهیان نیز به انتشار الکترونیکی آثار خود بپردازند.